

اطمینان کامل داریم واسطه گری و کارگزاری در آینده متفاوت تر از آنچه که هر کسی فکر می کند خواهد بود.

مترجم: محمدعلی معتمدیان

منبع: The Review, Sep 1999, pp.26,27

تعهد به نفع شخص ثالث در بیمه عمر

محمود عابدپور ، عضو هیات علمی

مقدمه

قرارداد بیمه مانند سایر عقود نامعین تابع قواعد عمومی قراردادها است . در این قرارداد بالاخص بیمه عمر مسائل بسیاری از لحاظ اصول کلی حقوق مدنی قابل توجه و بررسی است ولی موضوع این مقاله منحصر به مسئله تعهد به نفع ثالث در بیمه عمر است. ورود به این بحث ممکن نیست جز این که به نحو اختصار به تعریف بیمه و انواع آن پردازیم.

بنا به ایراد عمده ای که به ماده ۱ قانون وارد شده است، حقوقدانان بیمه را چنین تعریف کرده اند:

"بیمه عملی است که به موجب آن یک طرف (بیمه گر)، با قبول مجموعه خطرها و با رعایت قواعد آماری در ازای دریافت وجهی (حق بیمه) از طرف دیگر (بیمه گذار)، تعهد می کند که در صورت تحقق خطر معین ، خسارت وارده به او یا شخص دیگر را جبران کند یا وجه معینی بپردازد و یا خدمتی انجام دهد. متعهد را بیمه گر، طرف متعهد را بیمه گذار ، وجهی را که بیمه گذار می پردازد حق بیمه و آنچه را بیمه می شود موضوع بیمه می نامند".

بیمه از لحاظ موضوع به سه رشته بیمه های اموال ، اشخاص و مسئولیت مدنی دسته بندی شده است . در بیمه اموال خسارت مستقیماً به اموال و دارایی بیمه گذار وارد می شود و جبران خسارت های وارده به اموال مورد بیمه در تعهد بیمه گر قرار می گیرد. انواع مهم بیمه اموال عبارت اند از: بیمه آتش سوزی، سرقت، مقاطعه کاری، مهندسی، حمل و نقل ، امانت و صداقت و نصب و شکست ماشین.

در بیمه مسئولیت مدنی هدف ، جبران زیانی است که به دنبال ادعای شخص ثالث زیان دیده علیه بیمه گذار مسئول به دارایی او وارد می شود. در واقع، بیمه مسئولیت مدنی یک رشته دو جنبه ای است که به علت تامین

(بیمه شده) یا شخص تعیین شده از طرف او (استفاده کننده) پردازد.

تعریف بیمه گر و بیمه گذار قبلاً ارائه شد، فقط در مورد موضوع بیمه عمر باید توضیح داده شود. موضوع بیمه، حیات یا ممات شخص بیمه شده است و بیمه شده شخصی است که حیات یا ممات او موضوع بیمه قرار می گیرد. در قرارداد بیمه عمر ممکن است بیمه گذار و بیمه شده و ذی نفع از بیمه یک فرد واحد باشد. برای مثال، شخصی خود را با این شرط بیمه می کند که چنانچه بعد از ۵۰ سالگی زنده ماند فلان مبلغ را از بیمه گر بگیرد (بیمه عمر به شرط حیات).

ممکن است بیمه گذار و بیمه شده یک نفر و ذی نفع شخص دیگری باشد. برای مثال، شخصی قرارداد بیمه را با این شرط منعقد می کند که اگر تا ۲۰ سال دیگر فوت کرد سرمایه بیمه به ورثه او پرداخت شود. ممکن است بیمه گذار و بیمه شده و ذی نفع چند نفر باشند. مثلاً، فرزندی قرارداد را با این شرط منعقد می کند که اگر پدرش فوت کرد بیمه گر مبلغ معینی به مادرش پردازد. حال، پس از این توضیح مختصر و روشن شدن این مطلب که در بیمه های عمر ممکن است ذی نفع (استفاده کننده و

خسارت بدنی (فوت، نقص عضو و از کارافتادگی) به بیمه های اشخاص نزدیک می شود و در زمینه تامین خسارت های مالی (زیان وارده به اموال منقول و غیر منقول) با بیمه های اموال قرابت پیدا می کند.

در بیمه اشخاص، مورد بیمه شخص بیمه شده است و تعهد بیمه گر بدون ارتباط و تناسب با خسارت هایی که در نتیجه تحقق خطر متوجه شخص بیمه شده یا ذوی الحقوق او می شود انجام می گیرد. مهم ترین انواع بیمه های اشخاص عبارت اند از: بیمه های زندگی و حوادث جسمانی که مهم ترین نوع بیمه های زندگی عبارت اند از: بیمه عمر به شرط حیات یا فوت یا مختلط.

موضوع بیمه عمر تامین سرمایه یا مستمری برای شخص بیمه شده یا ذی نفع (استفاده کننده) در صورت حیات یا در حالت فوت شخص بیمه شده است. از نظر حقوقی بیمه عمر عبارت است از قراردادی که به موجب آن بیمه گر در ازای پرداخت حق بیمه متعهد می شود که در صورت فوت شخص بیمه شده یا زنده ماندن او در موعد مقرر مبلغ معینی (سرمایه بیمه یا مستمری) به بیمه گذار

دریافت کننده سرمایه بیمه) خود بیمه گذار یا شخص ثالث باشد، به طوری که در بیمه عمر به شرط حیات، ذی نفع بیمه گذار یا ثالث است ولی در بیمه عمر به شرط فوت حتماً وراثت یا اشخاص ثالث به عنوان ذی نفع هستند، اکنون به بررسی تعهد به نفع ثالث در بیمه عمر می پردازیم .

یکی از مهم ترین موارد رایج استفاده از تعهد به نفع شخص ثالث انواع بیمه هایی است که در آن ها ذی نفع حق بیمه، شخص ثالث است و نمونه بارز آن قرارداد بیمه عمر است. در بیمه عمر بالاخص بیمه عمر به شرط فوت، بیمه گذار طرف قرارداد و متعهد پرداخت حق بیمه است ولی ذی نفع از سرمایه بیمه وراثت بیمه گذار هستند، مگر این که بیمه گذار در قرارداد بیمه اشخاص دیگری را به عنوان ذی نفع معین کرده باشد. (ماده ۲۴ قانون بیمه).

تعهد به نفع ثالث در قراردادهای به طور کلی و بالاخص در بیمه عمر با اصل نسبی بودن قراردادهای در حقوق مدنی ناسازگار است. زیرا قرارداد رابطه نسبی بین کسانی است که با هم تراضی کرده اند و اثر قرارداد هم محدود به دو طرف آن است. مع هذا انگیزه رشد تعهد به نفع ثالث در حقوق جدید و نیاز جامعه به عقد بیمه

برای دیگران و به ویژه بیمه عمر، حقوقدانان را ناگزیر به سعی در توجیه تعهد به نفع ثالث کرد و چند نظر پیرامون آن ذکر شد.

۱. نظریه پیشنهاد: بدین ترتیب که در عقد اصلی، تعهد ابتدائاً به نفع مشروط له انشاء می شود و او انتقال طلب خود را به ثالث پیشنهاد می کند. اگر ثالث پیشنهاد را پذیرفت قرارداد دیگری بین متعهد له و شخص ثالث منعقد خواهد شد و در این صورت متعهد بر طبق قواعد عمومی در برابر ثالث که جانشین متعهد اصلی است مسئول و مدیون است. چند اشکال به این نظر وارد است:

الف) در عمل، عقد دومی ولو به طور ضمنی با ثالث منعقد نمی شود و در بیمه عمر چه بسا ثالث تا زمان فوت بیمه گذار از وجود چنین بیمه ای به نفع خود مطلع نمی شود چه رسد به این که طرف قرارداد باشد.

ب) توالی عرفی بین ایجاب و قبول در بسیاری از موارد منتفی است.

پ) اگر بیمه گذار قبل از قبول ثالث فوت نماید، ایجاب زایل می شود و دیگر محلی برای قبول وجود ندارد.

ت) در بیمه عمر، بیمه گذار وفق مواد ۲۵ و ۲۶ قانون بیمه می تواند ذی نفع از بیمه را

۳. نظریه تعهد مستقیم: بدون این که شخص ثالث در قرارداد مداخله کند به عنوان متعهدله از آن منتفع خواهد شد. به عبارت دیگر، درست است که آنچه بین متعهد و متعهدله واقع می شود یک عقد است ولی ایجاد تعهد به نفع ثالث ایقاع است.

اما در این که ایقاع مزبور تنها منتسب به اراده یک طرف (متعهد) است که از طریق توافق به متعهدله تحقق می یابد یا این که زائیده توافق و اراده هر دو طرف قرارداد است و در نتیجه، استثنایی بر اصل نسبی بودن قراردادهای است، محل بحث است. نظر اخیر با ظاهر ماده ۲۳۱ قانون مدنی سازگارتر است و بر خلاف اصل و به عنوان استثنایی است که قانون آن را اجازه داده است.

بنا به موارد مذکور تعهد به نفع ثالث ماهیت خاص و مستقلی است که قانونگذار بدین وسیله به مشروط له اجازه داده است که اراده خود را به سود ثالث به کاربرد و به نفع او با طرف دیگر عقد توافق کند.

در ادامه، با عنایت به این مقدمه روابط هریک از اطراف قرارداد بیمه عمر را نسبت به دیگری به طور مجزا مورد بحث قرار می دهیم.

تغییر دهد، در حالی که اگر قرارداد ثانی بین مشروط له اصلی و ثالث منعقد شد، بیمه گذار دیگر نمی تواند بدون موافقت ذی نفع در قرارداد تغییری ایجاد کند.

۲. نظریه نمایندگی: یکی از طرفین معامله در واقع، آن را خصوصاً از طرف ثالث تعهد می کند که پس از آن با قبول ثالث تنفیذ می شود هرچند، نظر به معامله فضولی تا حدودی با اصول قرارداد بیمه انطباق داده ولی قبول این نظر هم خالی از اشکال نیست و اشکال قضیه در این است:

الف) شخص فضول نمی تواند قراردادی را که منعقد کرده است بر هم بزند مگر به عنوان فضول و حال آن که در قرارداد بیمه عمر بیمه گذار مثلاً می تواند بدلیل جایز بودن عقد را منحل کند.

ب) در معامله فضولی هزینه های لازم برای انجام معامله بر عهده اصیل است، ولی در مورد بیمه عمر بیمه گذار حق بیمه را از اموال خویش می پردازد و قصد مطالبه آن را از ذی نفع ندارد.

پ) اگر ذی نفع بیمه سرمایه بیمه را نپذیرفت، قرارداد منتفی نمی شود و سرمایه به ورثه بیمه گذار می رسد.

جهت این که در ازای آن تعهد حق بیمه پرداخت شده چه بسا ارزش اقتصادی هم داشته باشد.

سئوالی که در اینجا ممکن است مطرح شود این است که اگر ذی نفع آن را رد کند و یا ذی نفع مشخص نشود یا نتواند مالک سرمایه بیمه شود تعهد بیمه گر چه می شود و این که آیا بیمه گر و بیمه گذار می توانند قرارداد اصلی بیمه را اقاله کنند.

در پاسخ سئوال اول می توان گفت که یک شرط ضمنی به سود مشروط له، در چنین مواردی شده است. مضافاً این که ماده ۲۴ قانون بیمه، صریحاً بیان داشته است که:

"وجه بیمه که باید بعد از فوت پرداخت شود به ورثه قانونی متوفی پرداخته می شود مگر این که در موقع عقد بیمه یا بعد از آن، در سند بیمه قید دیگری شده باشد."

در پاسخ به قسمت ثانی باید گفت که مواد ۲۵ و ۲۶ قانون بیمه به بیمه گذار حق داده است که ذی نفع سند بیمه عمر خود را تغییر دهد یا وجه بیمه نامه را به دیگری منتقل کند. اگر این حق را مشروط له به تنهایی داشته باشد به یقین با تراضی بامتعهد توان آن را دارد. بنابراین،

۱- رابطه دو طرف قرارداد (بیمه گر، بیمه گذار)

تعهد به نفع ثالث، نتیجه قراردادی است که بین بیمه گر و بیمه گذار با انعقاد عقد احتمالی بیمه واقع می شود و بیمه گر متعهد می شود در ازای وجوهی که بیمه گذار به وی پرداخت می کند سرمایه بیمه را به ثالث پرداخت کند. بنابراین، متعهد له اصلی قرارداد شخص بیمه گذار است منتها نوع تعهد این طور است که وجهی به شخص مورد نظر بیمه گذار پرداخت شود بدین ترتیب:

الف) بیمه گذار به دلیل وجود نفع معنوی و گاهی نفع مادی می تواند بیمه گر را ملزم به اجرای تعهدات خود کند.

بنا بر این بیمه گذار می تواند در صورت تعذر اجبار بیمه گر به انجام تعهد، قرارداد را فسخ کند و آنچه را عوض شرط داده است، بازستاند و یا اگر در قرارداد بابت انجام ندادن یا تاخیر در اجرای تعهد وجه التزامی قرارداد شده باشد، آن را وصول کند و خسارت ناشی از انجام ندادن تعهد به خود (حداقل خسارت معنوی) را از بیمه گر بخواهد.

ب) حقوق فوق به قائم مقام قانونی بیمه گذار هم می رسد. زیرا، علاوه بر نفع معنوی و به

با لقاله می توانند تعهد به نفع ثالث را از بین ببرند.

۲- رابطه بیمه گذار و ذی نفع

تعهد به نفع شخص ثالث ریشه قراردادی دارد و متعهدله واقعی همانا بیمه گذار است که می تواند اشخاص ذی نفع را تغییر دهد یا اصلاً ذمه بیمه گر را بری کند.

بدیهی است که قبولی ذی نفع هیچ اثری در حدود اختیار بیمه گذار نداد و از مواد ۲۴ و ۲۵ قانون بیمه هم می توان چنین استنباط کرد.

در این جا ممکن است این سوال به ذهن برسد که آیا ذی نفع اختیار رد حق داده شده را دارد؟

به نظر می رسد که علی رغم این که قانون در این مورد حکم ندارد ولی اختیار رد از اصول کلی حقوقی به خوبی استنباط می شود و در چنین موردی، التزام بیمه گر در مقابل شخص بیمه گذار و عنداللزوم وراث وی اجرا خواهد شد.

بنابراین، با انعقاد قرارداد حق به ذی نفع و بدون نیاز به قبول وی ایجاد می شود و چنانچه ذی نفع آن را رد کند، حق موجود زایل می شود. از این قاعده می توان نتیجه گرفت که:

الف) ممکن است ذی نفع در زمان انعقاد عقد موجود نباشد به عبارت دیگر، اهلیت

ذی نفع در زمان عقد شرط صحت نیست و نمی توان با قیاس به مواد ۴۵، ۶۹ و ۷۰ قانون مدنی آن را باطل دانست. زیرا، در عقد بیمه دو طرف عقد موجود هستند و ذی نفع هیچ سهمی در ایجاد آن ندارد، بدین ترتیب، در بیمه عمر چون پیش از مرگ بیمه شده ذی نفع هیچ طلبی از بیمه گر ندارد می توان وراث موجود یا آینده را ذی نفع دانست (ماده ۲۴ قانون بیمه). اهلیت ذی نفع در زمانی شرط است که تعهد به سود او به وجود می آید.

ب) طلبکاران بیمه گذار حقی بر سرمایه بیمه ندارند و در هیچ صورتی بیمه گذار طلبکار نیست و وجه بیمه دور از دسترس طلبکاران، برای ورثه قانونی یا ذی نفع انتخاب شده ذخیره می ماند. بنابراین، اگر شخصی خود را بیمه عمر به نفع ورثه قانونی کرده باشد و خطر هم واقع شود، سرمایه بیمه جزء ماترک وی محسوب نخواهد شد و از مقررات مالیاتی هم معاف است. زیرا، ماترک به اموالی اطلاق می شود که در زمان حیات بیمه شده به وجود آمده باشد. در حالی که، سرمایه بیمه عمر موکول و مشروط به فوت بیمه شده است. (ماده ۲۴ قانون بیمه)

بیمه گر از پرداخت سرمایه بیمه به ذی نفع امتناع کرد، آیا ذی نفع می تواند بیمه گر (متعهد) را تحت تعقیب قضایی قرار دهد؟

بدیهی است، اگر بیمه گذار و ذی نفع شخص واحدی باشد، چون قراردادی بین بیمه گر و بیمه گذار منعقد شده است وی بتواند از مقامات قضایی الزام بیمه گر را به انجام تعهد و عنداللزوم سایر خسارت ها تقاضا کند ولی اگر ذی نفع بیمه و بیمه گذار متعدد باشند، مشکل بتوان برای ذی نفع چنین حقی را تصور کرد. زیرا، ذی نفع طرف قرار نبوده و در ازای تعهد چیزی به عهده نگرفته است تا در صورت عدم انجام تعهد، قرارداد را فسخ یا الزام به انجام گرفتن را تقاضا کند. قرارداد بیمه با اراده او به وجود نیامده است تا با اراده او از بین برود.

پ) چنانچه ذی نفع فوت کند ورثه او سرمایه بیمه را استفاده کنند زیرا، فرض این است که حق را به میراث برده اند؛ مگر این که بیمه گذار مباشرت ذی نفع را شرط کرده باشد که در این صورت به ورثه قانونی بیمه گذار خواهد رسید (ماده ۲۴ قانون بیمه)

۳- رابطه بیمه شده و ذی نفع

ممکن است در قرارداد بیمه، بیمه شده شخص ثالثی غیر از بیمه گذار یا ذی نفع باشد. آنچه در این رابطه باید موجود باشد، لزوم اصل نفع بیمه ای است. به طوری که، ذی نفع تمایل به وقوع خطر نداشته باشد و وقوع خطر برای ذی نفع خسارت زا باشد. زیرا، اگر چنین اصلی نباشد، هر شخص بیگانه ای ممکن است خود را ذی نفع در فوت دیگری قرار دهد. از این طریق، میل به جرایم علیه اشخاص فزونی می یابد.

علاوه بر آنچه گفته شد، رضایت مسلم بیمه شده شرط صحت بیمه عمر است و عدم اعلام کتبی وی موجب بطلان قرارداد بیمه می شود. (ماده ۲۳ قانون بیمه)

۴- رابطه ذی نفع و بیمه گر

با انعقاد قرارداد بیمه بین بیمه گر و بیمه گذار، تعهد به نفع ثالث ایجاد می شود؛ منتها اگر خطر (فوت بیمه شده) واقع شد و

روی آوردن کشورهای آمریکای لاتین به خدمات درمانی خصوصی

بیشتر کشورهای امریکای لاتین به سمت نظام مراقبت هایی همچون نظام درمانی موجود در ایالات متحده امریکا گام بر می دارند. کانادا